

دولت موقت و شورای ملی

امیر فیض- حقوقدان

در گزارش جاوید ایران مسئله ای از سوی شخصی که گفته میشود نامش مستعار است راجع به لزوم تشکیل دولت موقت شورای باصطلاح ملی مطرح شده که همراه این گزارش تصویری از اعلیحضرت در کنار عکس علیرضائوری زاده هم دیده میشود که تداعی دارد که علیرضا نوری زاده موردنشان نخست وزیری دولت موقت است و البته کسانی به چنین دولتی و چنان انتخابی هم انتقاد های سخت و زننده کرده اند.

تحریر حاضر در رابطه با دولت موقت و شورای باصطلاح ملی ایران است و احتمالا اشاره ای هم به ترفند نوری زاده در ساخت نامه مستعار و مطرح کردن نامش خواهد داشت.

علت حضور این جریان در اینترنت

خبرهای سوریه حکایت دارد که کشورهای مداخله کننده در امور سوریه که اهم آنها آمریکا و انگلیس و فرانسه و ترکیه و قطر و عربستان سعودی هستند تلاش فراوان و علنی دارند که بین مخالفان دولت سوریه با مذاکره و وعده و یا تهدید یک توافق و همبستگی بوجود بیاورند که موفقیتی تاکنون حاصل نگردیده چنانکه به نقل قول از خبرگزاری ها در اجلاس قاهره، قطر، با مخالفان سوریه با تحقیر روبرو شد و آنها را تهدید به ترک حمایت کرد.

در ماجرای شورای باصطلاح ملی ایران! همین آشفتگی موجود در شورای ملی سوریه رامی بینیم بنظر میرسد برای اینکه این تحریر بر راحتی جلوگیری بهتراست در مسیر یک تشبیه حرکت کنیم.

تشبیه هوو

مردی که چند زن دارد هریک از آن زنان نسبت به زن دیگر هوو نامیده میشوند، بین آن زنان یک نوع حسادت و چشم هم چشمی خاصی وجود دارد که نمیتوان آنرا رقابت نامید و با کمی دقت میتوان محدوده آنرا کاملا در حد عمل هووها دانست.

حسادت در هوها ناشی از انتظار انحصار تعلق محبت و همخوابی با مرد است و همچشمی وسیله ای است که زن سعی میکند با رعایت آن و اینکه خودش را آنطور که مردش میخواهد مهیا کند.

در این تمثیل نقش عمال آمریکا در کشورها از جمله ایران و اکنون که در سوریه کاملا مشهود است نقش همان هووها است و نقش مرد چند زنه همان آمریکاست.

با این توضیح تطبیقی، که یک حسادت و چشم همچشمی و قیحاته ای بین عمال آمریکا (هوو) ها و آمریکا (مرد آن هووها) وجود دارد و هریک از عمال آمریکا تلاش دارند که رویه و کاری را دنبال کنند تا توجه مردشان را جلب کنند و این تلاش همان است که مانع وحدت و همکاری عوامل آمریکا چه در ایران و یا در خارج میشود و شده است.

همانطور که مرد نمیتواند بین هووها یک توافق و آرامش موقتی فراهم کند و اگر هم بتواند بسیار کوتاه مدت است آمریکا هم نمیتواند بین عوامل خودش این حسادت و شتاب برای نوکری و خدمت را کنترل کند هریک از هووها سعی میکنند بهر طریق که هست باصطلاح، خودش را نزد مردش جا کند و این چنین است که نشستهای مکرر در دوحه و استانبول و قاهره و پاریس به جهت شورای سوریه به نتیجه نرسیده است و به همین دلیل است که شورای هووهای ایران هم با موج حسادتها و دشمنی های هووها روبرو شده است.

همانطور که هووها برای آبروی مردشان ظاهر را رعایت میکنند، مگر آن هووهایی که خیلی کم ظرفیت و حسود و حساس هستند، شورای هووها هم همانطور عمل میکند، از باب مثال شورای سوریه در ابتدا رسماً اعلام کرد که با حمایت آمریکا و کشورهای خارجی کاملاً مخالف است و حتی یکبار هم در همان اوائل، آمریکا را متهم به دخالت در

امور کرد ولی گذشت زمان نشان داد که آن تظاهر نتوانست ادامه یابد و حقیقت نامطلوب و کثیفی که شناسنامه شورای ملی سوریه است آشکار گردید.

رویه شورای سوریه یعنی ظاهرسازی و باصطلاح <جانماز آب کشیدن> در شورای باصطلاح ملی ایران! هم از همان روز اول نمایان گشت؛ ازیاب نمونه؛ شورای ایران نوشت که به استقلال و تمامیت ارضی ایران وفادار است. ولی در همان منشور بند را آب داده و در ماده ۱۱ حقیقت! [وارونه] وفاداری به استقلال و تمامیت ارضی را نشان داده است.

تظاهر وفاداری شورا به استقلال و تمامیت ارضی ایران در مقابل این بیان اعلیحضرت که خودشان هم متاسفانه شورانی شده اند که تمامی افرادی که نامشان در شورا آمده قانون اساسی مشروطیت را پاره کرده اند، <آنان که قانون اساسی مشروطیت ایران را پاره کردند سند استقلال و تمامیت ارضی ایران را پاره کردند>، از اینرو اعلام وفاداری شورای به اصطلاح ملی ایران! به استقلال و تمامیت ارضی چقدر فریبانه است.

علیحضرت که همواره نسبت به استقلال و تمامیت ارضی کشور باسوز دل توصیه میفرمایند، شورانی شدند، آنهم شورانی که هم ماده ۱۱ و هم عموم شرکت کنندگان آن با پاره کردن قانون اساسی مشروطیت، استقلال و تمامیت ارضی ایران را طرد و نفی کرده اند.

جا داشت لااقل همسرا علیحضرت که شاید هیچگاه درباره ایران سخنی نداشته اند و بر آثار نامطلوب نادیده گرفتن قانون اساسی مشروطیت تسلط حقوقی دارند، اگر امکان بازدارندگی همسرو علیحضرت را نداشتند، که نداشتند، لااقل خودشان را آلوده نمیکردند، زیرا تسلط حقوقی ایشان به اثرات این عمل در کنار موافقتشان کار را مشکل میسازد.

نمونه دیگر- شورا نسبت به رد کمک خارجی و نیز حمایت آنها، ژست مردمی از نوع ناسیونالیستی گرفته است همانطور که شورای سوریه در ابتدا گرفته بود، در حالیکه در همان زمان تنظیم منشور شورا، اعلیحضرت که شاخص همه شورانی ها هستند و گاهی هم بعنوان سخنگوی شورا شناخته میشوند، عقیده راسخ و قاطع دارند که <بدون حمایت و کمک جامعه جهانی نمیتوان کاری کرد> ادعای شورای باصطلاح ملی ایران! جعل آشکار نادرستی است.

نمونه دیگر- در عین اینکه شورا بظاهر خود را متکی به حمایت مادی ایرانیان نشان میدهد و کمک از بیگانه رانفی میکند شاخص شورا یعنی اعلیحضرت از کشورهای و مشخصا از اسرائیل درخواست کمک مالی میفرمایند، و این در شرائطی است که قبلا این نوید را داده بودند که ۹۰ درصد هزینه های مبارزه ایشان را ایرانیان داخل کشور تامین میکنند.

بهر حال در این روزهای وانفسا که از هر طرف سنگ فتنه بر هویت تاریخی ایران و استقلال و تمامیت ارضی کشورمان میبارد شایسته و قابل دفاع نیست که خانواده محترم اعلیحضرت منجبتی بشوند در یاری به پرتاب کنندگان سنگ فتنه.

جابجائی هووها

همانطور که مرد از نق و نوق هوو ها خسته میشود ویا آنها را پیر و فرتوت و غیر قابل استفاده می بیند میرود سراغ زنه های دیگر، سیاست آمریکا هم نسبت به عمل خودش به همان کیفیت است، به کیفیت مزبور نگاه میکنیم:

خانم کلینتون بتاريخ پنجشنبه اول نوامبر سال جاری گفت: <شورای ملی سوریه که از مخالفان حکومت سوریه تشکیل شده است نيات بسيار خوبی دارند اما در بسیاری موارد ۲۰ یا ۳۰ یا ۴۰ سال خارج از سوریه بسر برده اند، (یعنی هووها پیروپاتال شده و جای آنها را باید زن های جوان مطیع تربیگیرند)!

خانم کلینتون همچین اشاره کرد که حما اسامی افراد و سازمانهائی را بمنظور عضویت در شورا پیشنهاد کرده ایم (یعنی هووهای مورد نظر و انتخاب آمریکا در شورای سوریه، جای ممتاز و محترمی برای آمریکا خواهند داشت، همانطور که هوو های جوان و خوشرو جای عزیزی برای مردش خواهد داشت، و این هوو ها هم کسانی هستند که آمریکا انتخاب کرده است).

خبرگزاری بی - بی - سی این توضیح را داد که <آمریکا از شورای مخالفان سوریه در نشست دوحه خواسته که ۱۳ گروه جدید در شورا قرار گیرند> در طرخی که



مورد تانید خانم کلینتون قرار گرفته <کاهش نقش مخالفان سوریه خارج از کشور و جایگزین آن با عناصر مسلح مخالفین است>

هم امروز که این تحریر در مقام پایان است خبرگزاری ها از انتخاب (بخوانید از انتصاب) یک مسیحی با سابقه کمونیستی بنام جرج صبرا به ریاست شورای ملی سوریه خبر دادند، و در کلام درست همانطور که خانم کلینتون اسامی عده ای (۱۳ نفر) را برای عضویت در شورای سوریه پیشنهاد کرده آقای صبرا، را نیز به ریاست شورا حکم داده است، و آقای صبرا هم خواستار اسلحه بیشتر است تاکشترها وسیع تر و رعایت موازین حقوق بشر و اصل عدم مداخله در امور کشورها بیشتر رعایت شود!!^۱

شورا چی های ایران این قسمت را دو بار بخوانند و به غیرت و شرافت و حمیت خودشان که ایرانی هستند شرمسار شوند نام آنچه که در شورای سوریه که الگویی برای شورای به اصطلاح ایران! است میگذرد مبارزه است؟ یا نوکری و وطن فروشی، در نهایت بی شرمی ویا مداخله آمریکا در حد بینهایت؟

عناصر مسلح در شورای ایران کیست و چیست؟

ممکن است این سوال مطرح شود که تطبیق این قسمت از خواست خانم کلینتون یعنی مشارکت جدی تر عناصر مسلح مخالفین در شورای سوریه نسبت به شورای با اصطلاح ملی ایران! چگونه اجرا پذیر است؟ در حالیکه شورای ایران فاقد نیروی مسلح است و اساسا قوام منشور شورا بظاهر بر دوری از خشونت است؟

پاسخ روشن است اولاً شورای ملی سوریه هم تاکیدی بر مبارزه مسلحانه نداشت و حرکت های دمکراتیک را بنمایش میگذاشت و بعد بصورتی درآمد که ۶۰ سرباز اسیر سوریه را در ملاء عام سربردید.^۲

مگر شورشیان ۵۷ ایران هیچیک از جنایات مانند آتش زدن سینما رکس آبادان و یا نهار خوری لویزان ویا کشتارها را قبول کردند، آنها هم با نام رفت و اسلام و گل دادن به سربازان و افسران و امثال آنها وارد شدند.

دوم اینکه درست است که بظاهر شورای ایران! فاقد بازوی مسلح است ولی مجاهدین خلق که بطور علنی مورد حمایت آمریکا قرار گرفته آنها در حدی که برای مردم و مطبوعات آمریکا امری حیرت آورده است بازوی اجرایی شورای با اصطلاح ملی! در عملیات ایران خواهند بود.^۳

سیمور هرش در نیویورک با عنوان <مردان ما در ایران> فاش کرد که از اوائل سال ۲۰۰۵ مجاهدین خلق توسط فرماندهی عملیات ویژه مشترک در نوادا آموزش نظامی دیده اند.

ری مک گاورن از مامورین سیا در مصاحبه با تلویزیون دبلیو - دی - ار آلمان گفت: <مجاهدین با ما و برای ما کار میکنند، آنها آماده اند تاهرکاری که به آنها واگذار شود انجام دهند، آنها محلی هستند، درست است که آنها گروه تروریستی هستند ولی آنها برای اعزام به ایران برای فعالیت های معمولی سرویس مخفی نظیر حمله به حسگرها، برای نظارت برنامه اتمی، نشانه گذاری اهداف برای حمله هوایی و خرابکاری تردید ندارند.>

کارن کویاتکوسکی از اعضای سابق وزارت دفاع آمریکا در همان تلویزیون دبلیو - دی - ار آلمان گفت: <مجاهدین خلق آماده است کارهایی را انجام دهد که ما از انجامش شرمند خواهیم شد و تلاش خواهیم کرد که در

قبالش سکوت اتخاذ کنیم اما برای چنین اقداماتی از آنها استفاده میکنیم.>

^۱ - جورج صبرا در ۱۱ جولای ۱۹۴۷ در خانواده ای مسیحی دنیا آمده است. وی مدرک دانشگاه دمشق در جغرافیا را در سال ۱۹۷۱ بدست آورده است. سپس در دانشگاه ایندیانا آمریکا در سال ۱۹۷۸ در رشته تکنولوژی آموزشی فارغ التحصیل شده است. سپس آموزگار جغرافی شده و نسخه عربی برنامه کودکان بنام «سسامی ستریت» = خیابان سسامی "Sesame street" را نوشته است. وی از سال ۱۹۷۰ در فعالیت های سیاسی بوده و در همان سال به حزب کمونیست سوریه پیوسته است. در سال ۱۹۸۵ به عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست پیوسته است. هشت سال در زندان بوده است و در سال ۲۰۰۰ آزاد شده است. بعد ها در «شورای سوریه» برگزیده شد. ح-ک

^۲ - این سربازان که موقتی ویا دائم در خدمت ارتش و خدمت «ملت» هستند نخست ممکن است از افراد فامیل شورشیان بوده باشند دویم اینکه چگونه مبارزه بدون خشونت می تواند چنین بیرحمانه عمل کند و سرباز خودش را سربرد؟ ح-ک

^۳ - که شورچی ها بهرحال مدعی خواهند شد این گروه جزو شورا نبوده و به ما مربوط نمی شود. ولی همزمان عمل میکنند. ح-ک

یعنی همین جنایاتی که شورشیان مسلح گماشته آمریکا در سوریه بی رحمانه انجام میدهند مجاهدین در برنامه اجرایی شورای ملی ایران انجام خواهند داد.

شورائی ها نگران نباشید

آمریکا نگران نداشتن بازوی اجرایی برای عملیات در ایران نیست شورائی های ایران! هم نگران نباشید خون هم از دماغ آقایان امضا کننده شورا ریخته نخواهد شد ولی خون مردم بیگناه ایران که خون شمانیست.

شورای ملی و دولت موقت

از اظهارات خانم کلینتون که به آن اشاره شد چند روز نگذشت که در اجلاس دوحه که با حضور ترکیه و عربستان و آمریکا و اتحادیه عرب و شورای ملی سوریه تشکیل شد، خواستههای خاتم کلینتون کاملاً پیاده شد و تجدید نظر در افراد شورای ملی سوریه صورت یافت بطوریکه سخنگوی شورای مزبور اعلام کرد: یکی از موضوعات اجلاس دوحه حرکت پسوی تشکیل دولت انتقالی مشابه شورای انتقالی لیبی در جریان انقلاب لیبی است (بی- بی- سی نهم نوامبر ۲۰۱۲)

تشکیل دولت موقت انتقالی از سوی شورای ملی سوریه حدود دوماه قبل در اجلاس اسلامبول بازتاب خبری یافت و قرار شد که در اجلاس پاریس عملی شود که اختلافات مانع انجام آن گردید، موضوع به اجلاس قاهره موکول شد که در آنجا هم کاری از پیش نرفت تا در دوحه با دخالت مستقیم آمریکا به صورت فعلی که عرض شد درآمد.

مقصود از اشاره به جریان دولت موقت سوریه این است که شورای باصطلاح ملی ایران! از همان زمان که موضوع دولت موقت شورای ملی سوریه در نشست استکهلم مطرح شد بفرانجام آن برای تحصیل مقبولیت و ترضیه خاطر آمریکا (مردشان) افتادند ولی اگر بطور جدی و علنی مطرح نشد هرج و مرج و بلا تکلیفی شدیدی است که شورای به اصطلاح ملی ایران! را فراگرفته که هرکی هرکی عجبیبی است ولی موضوع تشکیل دولت از سوی شورای باصطلاح ملی ایران! در ردیف تکالیف ارجاعی آمریکا به شورا است، چنانکه روند آن، شورای انقلاب لیبی، الگوی شورای سوریه و الگوی شورای سوریه الگوی کار شورای به اصطلاح ملی ایران! قرار گرفته است.

فصل ارتباط شورای سوریه و ایران

تحریر حاضر باید به یک ابهام پاسخ بدهد و آن ارتباطی است که بین شورای ملی سوریه و شورای به اصطلاح ایران! قائل به وجود است، زیرا وجود این ابهام مانع رسوب کامل تحریر خواهد شد.

صرفنظر از اشارات متعددی که بصورت خواست بخشی از مخالفان جمهوری اسلامی از آمریکا مطرح شده و در جراید و سایتها تحت عنوان الگوی سوریه منعکس است (از جمله کیهان لندن نوریزاده) که به پاره ای از آنها در تحریرات سابق اشاره شده، سند زیر مدرکی است که دوماه قبل نامکشوف را هم آشکار میسازد؛ متن سند چنین است:

«بنابراعلام روزنامه باستون گلوب، گروهی بنام «عملیات مربوط به سوریه و ایران» متشکل از تعدادی از متخصصین خاورمیانه از وزارت امور خارجه و وزارت دفاع آمریکا تشکیل شده است.

روزنامه مزبور از ایرانیانی که در آن گروه فعالیت دارند بنامهای سعید رضوی، حسین باستانی، علی افشاری، اکبر عطری و سازگار نام برده است.» (مستند گزارش بی - بی - سی دوم ژانویه ۲۰۰۷)^۴

اولین مطلب مهمی که سند مزبور ثابت میکند اشتراک عملیات در سوریه و ایران در یک طرح است.

که در سال ۲۰۰۷ و حتی یکسال قبل از آن تهیه و اعتبار مالی اجرایی پیدا کرده است.

^۴ - مستند دیگر حضور گروهی با عنوان «کارزار ائتلاف ایرانیان و سوری ها برای محاکمه خامنه ای» در میان امضا کننده ها و تنظیم کننده های منشور است که در تاریخ ششم سپتامبر ۲۰۱۲ یعنی همان روزهای نخست در لیست سیاه آنان مشاهده میشود. پرسش این نیست که محاکمه خامنه ای چه ارتباطی با سوریه دارد، پرسش این است که ایران چه ارتباطی با سوریه دارد چرا از طریق محاکمه خامنه ای که اعلیحضرت درباره آن بسیار سخن گفته و مسافرت و مشارکت کرده اند. ح-ک

در سال ۲۰۰۷ هیچگونه مسئله ای در سوریه در جریان نبود ولی فعالیت برای ایجاد عملیات در سوریه و ایران پایه ریزی شده بود.

حاشیه - در سال ۱۳۸۲ مفسر خبرگزاری روسیه نظم جهانی مورد نظر آمریکا را با تفسیری همراه ساخت که در ارتباط با طرح عملیات در سوریه و ایران گویای مهمی است:

>نظم جهانی آمریکا اجزا و مقاصد مشترکی را در برمیگیرد که عبارت از کنترل ظرفیت های نفتی عراق و متلاشی کردن احتمالی سازمان اوپک و برکناری دولتهای سوریه و ایران، بازور یا تحریک توطئه های داخلی در این کشورهاست (مشروح درسنگراول بهمن ماه سال - ۲۵۴۲ = ۲۰۰۳ = ۱۳۸۲)

ملاحظه میفرمائید ۹ سال قبل یعنی بموازات طرح نظم جهانی و یا دهکده جهانی مسئله شورش ها و توطئه های داخلی در سوریه و ایران برنامه ریزی شده بوده (پایان حاشیه)

دومین مطلب این است که شورای باصطلاح ملی ایران! زیر نظر گروهی است که افراد ایرانی آنها با نام و مشخصات معرفی شده اند و همانطور که مشروح خبر مزبور در روزنامه باستون گلوب میگوید گروه عملیات مربوط به ایران و سوریه وابسته به وزارت خارجه آمریکا است و کنگره آمریکا قرار است بودجه گروه مزبور را در سال آینده (۲۰۰۸) دوبار برکند.

بنابراین، به همان طریق که شورای سوریه زیر کنترل آمریکا یعنی **گروه عملیات سوریه و ایران وابسته به وزارت خارجه آمریکا** است و عملاً هم در نشستها و اظهارات خانم کلینتون این وابستگی و رابطه ارباب نوکری مشهود است همان روابط و ضوابط نسبت به شورای باصطلاح ملی ایران نیز جاری است.

ترفند نوریزاده

این اشاره به جاست که موضوع طرح دولت موقت در اینترنت همراه با تصویر اعلیحضرت و نوریزاده، ترفند شخص نوریزاده است، مستند این برداشت نوشته های خود نوریزاده و سوابق او در ترفند سازی، شارلاتانی و دورویی و بی شخصیتی است که بخشهایی از آن درسنگرها و همین سایت ۱۴۰۰ سال مربوط به جاوید ایران منتشر شده مقصود نامه هانی است که به خط شخص نوریزاده پس از آنهمه دشمنی و خصومت های پلید با شاهنشاه و همکاری باخیمینی به دروغ و قصد ترفندی به شخص شاهنشاه نوشته است.

باری نوریزاده در کیهان لندن شماره ۱۴۲۷ مورخ ۲۶ مهر ماه سال جاری تصویری ذهنی از خودش به خواننده نشان میدهد که براعلیحضرت نفوذ قاطع دارد و سلطنت طلبان که دستشان به اعلیحضرت نمیرسد از طریق نوریزاده خواسته هایشان را به عرض ایشان میرسانند و در کلام ساده میخواهد بگوید شخص مورد اعتماد اعلیحضرت خودش یعنی نوریزاده است، با هم این قسمت را از کیهان لندن میخوانیم.

حکسائی دل نگران از اینکه رضایهلوی به عنوان یک سرمایه ملی و ذخیره ای برای روز واقعه در حرکت اخیر خود نا موفق شود و به برگه سوخته تبدیل گردد به من و دوسه تنی که باشاهزاده دوستی شخصی جدا از کار سیاسی داریم توصیه میکردند که هرچه میشود شاهزاده را به تامل بیشتر و تاخیر در اعلام منشور، قانع سازید مائیز چنین کردیم و حقا شاهزاده این توصیه های مشفقانه را پذیرفت و عملاً کارش را چند ماهی به تاخیر انداخت. کسائی نیز از جمله رهبران و نمایندگان احزاب و اقلیت های قومی در نشستهای عمومی و خصوصی از جمله دوشست پسار مهم در دفتر من بین شاهزاده و دور رهبر سرشناس و معتبر کرد دربار منشور و معذوریت ها و تحفظات بارضایهلوی گفتگوهای بسیار سودمندی برای دوطرف نشستند

خواننده محترم این سطور، آیا میتواند کسی را که دارای موقعیت مشابهی که نوریزاده آنرا از برای خودش تشریح کرده بشناسد که هم واسطه عرض مطالب ایرانیان حضور اعلیحضرت باشد و هم اعلیحضرت به دفتر او برود و در آنجا با افراد دیگر از جمله سران معتبر و مهم کرد! جلسات خصوصی داشته باشد؟

این دومی خیلی آثار گیر است و اگر سرسری گرفته میشد از درسرها و سوء استفاده از آن امانی نبود و نیست زیرا هر مطلبی را نوریزاده بعنوان شاهد حاضر و ناظر میتواند به مذاکرات خصوصی بین اعلیحضرت و کردها در دفتر خودش نسبت و شهادت دهد.

این بود که پس از اطلاع از اعلام نوریزاده در تاریخ ۱۹/۱۰/۲۰۱۲ اعلام نوری زاده را باذکر ماخذ به دبیرخانه منعکس کردم و جویای صحت و یا سقم اعلام مزبور شدم که متاسفانه گویا در آن زمان اعلیحضرت در پشت کوه قاف بودند! که به آن درخواست که یک تکلیف مبارزاتی بود تا کنون اعتنایی نگردید.

نوریزاده در آن نوشته خود را مدیر مرکز پژوهش‌های ایران و عرب معرفی کرده بنابراین شهادت احتمالی ایشان یک شهادت موثر خواهد بود با وجود این توجه به دبیرخانه پاسخی دریافت نشد.

باری نوریزاده در همان کیهان مورداستناد چقدر افسوس میخورد که شورای ملی ایران! از شورای ملی سوریه در هماهنگی و همبستگی و همکاری مشترک تبعیت نمیکنند و همچنین افسوس خودرا که شورای ایران! مانند مخالفان صدام حسین که زیر نظر زلمای خلیل زاد یکپارچه شدند!!، عمل نمیکنند و ادعا دارد که خود او هم در آن اجلاس مخالفان صدام وزلما خلیل زاد حضور داشته است.



معلوم است چنین شخصی وقتی عکس نحسش را کنار تصویر اعلیحضرت و علامت شورای باصطلاح ملی ایران گذاشت و نوشته ای هم در باب لزوم تشکیل دولت بوسیله شورا ضمیمه آن ساخت این تداعی برای خواننده سطحی حاصل است که نوریزاده رئیس دولت شورا ملی ایران خواهد شد.

یاد آوری حقوقی

قسمت مربوط به نوریزاده در این تحریر، این یادآوری را میپذیرد که شهادت افراد فاسد، معروف به بی بند و باری، دروغگونی، بی عقیده و هرهری مسلک، و وابسته به بیگانه و حتی درمضان اتهام جاسوسی برای بیگانه پذیرفته نیست.